

## رهبر مقتدر



شاید برای برخی، نعمت وجود رهبری شجاع و مقتدر، تا پیش از جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه کشورمان، چندان ملموس نبوده و به چشم نمی آمد. اینکه رهبری در همان ساعات اولیه عملیات به اصطلاح برق آسا و غافلگیرانه رژیم صهیونیستی و ترور فرماندهان ارشد نظامی و در شوک ایجاد شده برای این نیروها و مردم، بلافاصله فرماندهان جایگزین را منصوب و ساختار سازمانی این نیروها را ترمیم کرد و فرمان حمله صادر کند با پیام تلویزیونی خطاب به مردم ایران، به آنان قوت قلب داد، برای دشمنان رجز خوانده، آنان را متوجه خطای محاسباتی و اشتباه بیچاره کننده خود نماید و پس از ساعاتی، شاهد حملات موشکی و پیهادی کشورمان علیه این رژیم باشیم، بی شک، نشان از اقتدار، هوشمندی و مدیریت مثال زدنی بحران چنین رهبری دارد.



## تمدن شرم آور غرب



تمدن غرب، با تمام زرق و برق و شعارهای پیشرفت و حقوق بشرش، اغلب خود را الگویی برای تمام بشریت معرفی می کند؛ اما آیا این تصویرسازی، واقعیت است؟

با کمی تأمل و نگاه به تاریخ نه چندان دور این تمدن، پرده از حقایق شرم آور برداشته می شود که نه تنها با ادعاهای انسانیت مدارانه آن در تضاد است، بلکه عمق توحش و جهل مدرن را در دل آن برملا می سازد. برای هر فردی که در پی حقیقت است، ضروری است که این جنبه های تاریک نیز دیده شود تا بتوان تصویری واقع بینانه و کامل تر از «غرب» داشت و تفاوت آن را با تمدن اصیل و انسانی اسلامی درک کرد.

درست پس از جنگ جهانی دوم، زمانی که اروپا از خاکستر ویرانی های خود برمی خاست، زنان فرانسوی که به اتهام ارتباط با نازی ها زیر تیغ قضاوت خودسرانه جامعه رفتند، تنها یک نمونه از خشونت های بود که در دل «تمدن پیروز» نهفته بود. سر تراشیدن ها، تحقیرهای عمومی و آزار و اذیت ها، نه توسط دشمن، بلکه توسط هموطنان شان اعمال می شد؛ نمادی از آنکه حتی در لحظات بازسازی، وحشی گری درونی می تواند سر برآورد.



## جاسوسی و وطن فروشی

جاسوسی و خیانت به وطن، مانند زهری است که در گ های جامعه تزریق می شود و آرام آرام، بنیان های امنیت و اعتماد را از بین می برد. وقتی کسی قدم در این مسیر می گذارد، نه تنها مرتکب جنایتی بزرگ علیه هموطنان خود شده، بلکه روح و وجدانش را نیز به تاریکی می فروشد. جاسوسان، چه برای پول، چه برای وعده های پوچ مهاجرت یا هر انگیزه دیگری، در نهایت دست به عملی می زنند که نتیجه اش خون بی گناهان است. این کار از هر جنایتی زشت تر است، چون پشت نقاب خیانت، چهره دوستی را می پوشانند و در حالی که در جمع هم میهنانش زندگی می کند، تیشه به ریشه همان مردم می زند. اما چه چیزی باعث می شود انسانی به این ورطه سقوط کند؟ برخی فریب وعده های مادی را می خورند، غافل از اینکه هیچ پولی ارزش آلوده شدن به خون هموطنان را ندارد. برخی دیگر در دام وعده های مهاجرت می افتند، گویی نمی دانند که حتی اگر به سرزمینی دیگر بروند، تا آخر عمر، با داغ خیانت زندگی خواهند کرد. بعضی ها هم شاید از سر کینه یا نارضایتی، راه خیانت را انتخاب می کنند؛ اما آیا هیچ نارضایتی ای می تواند توجیه گر همکاری با دشمن باشد؟



## منتشر شد

## پیمان ابراهیم

وقتی قرآن از پیمان

ابراهیم سخن می گوید، تصویری از یک عهد الهی ترسیم می کند که عمق آن در امتحان های سخت و انتخاب های دشوار، ریشه دارد.

ابراهیم، پس از عبور از آتش بت پرستان، مهاجرت از وطن و گذشتن از عزیزترین دارایی اش (فرزندش)، به مقام «امامت» می رسد؛ مقامی که نه با زور و ثروت، که با ایثار و پاک دستی به دست می آید؛ اما وقتی او از خدایم پرسد: آیا این جایگاه به فرزندانش هم خواهد رسید، پاسخ می شود: «عهد من به ستمکاران نمی رسد». اینجا، پیمان ابراهیم تبدیل به معیاری می شود برای تمایز بین انسانیت و ظلم، بین عدالت و فساد.

اما امروز، در جهانی که سیاست مداران برای عادی سازی جنایت و توجیه اشغال گری از هر ابزاری استفاده می کنند، نام «پیمان ابراهیم»، دوباره بر سر زبان ها افتاده است؛ نه به عنوان نماد اخلاق و رستگاری، که به عنوان ابزاری برای تحکیم سلطه، رئیس جمهور آمریکا، با آن ادبیات نمایشی و تو خالی اش، همان کسی که کودکان مهاجر را در قفس انداخت و نژادپرستی را به سیاست رسمی تبدیل کرد، جرات کرد این نام مقدس را به توافق میان رژیم صهیونیستی و چند دولت عرب تحمیلی نسبت دهد.

www.Shobhe.pasokh.org :سایت

@shobahat\_mag :کانال ایتا

pasokh.org pasokh.com wikipasokh.com pasokh.tv shobhepajouhi.ir



# شبه شناسی

گفتمان سازی و پاسخ گویی

ماهنامه ویژه پویش مطالعاتی دانشجویان و طلاب جوان مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات (حوزه های علمیه) شماره سی و هفت | تیرماه ۱۴۰۴

## ۳۷

## خدای آب، آتش و باد

آن هنگام که مادر موسی، عرصه را بر خود تنگ دید و احساس کرد که الان است که سربازان فرعون، سر برسند و فرزند نوازش را از او بگیرند و بکشند، خداوند به او الهام کرد که موسی را در پهنای رود نیل، رها سازد؛ زیرا بنا بود آب، یاری گر مادر موسی باشد؛ همان گونه که همین آب، راه نجات موسی و قوم بنی اسرائیل شد؛ آن هنگام که خود را در محاصره رود نیل و لشگر فرعون دیدند و قوم موسی با ناامیدی و ترس گفتند: «إِنَّا لَمُدْرِكُونَ!» گرفتار و هلاک شدیم؛ اما چون موسی و مادرش، «إِنِّي مَعِي رَبِّي» را باور داشتند، باز این آب نیل بود که راه نجاتی برای موسی و قوم بنی اسرائیل شد. بت شکن تاریخ، آن هنگام که با دست خود، همه خدائمایان زمانش را شکست و تبر را بر دوش بت بزرگ گذاشت، هیمنه پوشالی خدایان را شکست و همگان را با این واقعیت روبه رو کرد که ایشان اگر خدایند و قدرت دارند، چرا از خود مواظبت نکردند؟ و وقتی نمیتوانند خود را نگه دارند، چه انتظار پوچی است که بتوانند به داد شما یان برسند؛ اما جاهلان زمان، چون آتش برافروختند که نه ابراهیم، بلکه منطق ابراهیم را بسوزانند، گاه قدرت نمایی خدای ابراهیم فرا رسید و آتش سوزان را دستور «گوئی نَزْدا و سَلاماً» ۳ داد تا آتش برای ابراهیم، گلستان شود.



## چرا عبادت؟



شاید وقتی اسم «عبادت» میاد، اولین چیزی که به ذهنتون می رسه، به سری کارهای تکراری و شاید کمی خسته کننده باشه. نماز خوندن، روزه گرفتن و به عالمه قانون دیگه؛ اما واقعیت اینه که عبادت، خیلی عمیق تر از این حرفاست و به جور سفر درونیه که می تونه زندگیتون روزیرو روکنه.

بذارید از یه نکته مهم شروع کنیم. عبادت فقط انجام دادن چند تا کار نیست؛ بلکه یه راه برای رسیدن به یه زندگی فوق العاده ست؛ همون چیزی که میشه بهش گفت «زندگی پاک و عالی». همون زندگی که خدا تو قرآن بهش میگه «حیات طیبه». یعنی چی؟ یعنی یه زندگی که توش هم آرامش داشته باشی، هم حال دلت خوب باشه، هم از درون راضی باشی و هم به بهترین نسخه خودت تبدیل بشی، هم از بودن با دیگران و کمک به اونالذت ببری. این زندگی فقط پول و آسایش مادی نیست؛ بلکه یه حس عمیق رضایت و سعادتته که از درون آدم جوشش می کنه.



## سازمان های بی خاصیت

رفیق امی دونم این روزها خیلی از ماها یادین اتفاقاتی که افتاده، تو دلمون به علامت سوال بزرگ داریم. وقتی می بینیم تجاوزی به خاکمون شده، مردم بی گناه کشته شدن، فرماندهان و دانشمندانمون روز دست دادیم و زیر ساخت هامون، به خصوص سایت های هسته ای و پدافندی، مورد حمله قرار گرفتن، انتظار داریم نهاد های بین المللی مثل سازمان ملل، شورای امنیت و حتی آژانس بین المللی انرژی اتمی، یه کاری بکنن. انتظار داریم حداقل محکوم کنن، یه قدمی بردارن که جلوی تکرار این فجایع رو بگیرن؛ اما وقتی سکوت می بینیم، یا در بهترین حالت، یه بیانیه ابکی، واقعا عصبانی کننده و ناامیدکننده است. شاید با خودت بگی اینا کجان؟ پس وظیفه شون چیه؟ مگه برای حفظ صلح و امنیت جهانی نیستن؟ سوالاتی خوبیه، بیا با هم یه کم عمیق تر به این قضیه نگاه کنیم.

## هلا بیکم یا زوار بوسجد



هلا بیکم

یا زوار بوسجد؛ ایبن فقط یک جمله

خوشامدگویی نیست؛ بلکه یک کد است؛ یک رمز مشترک بین میلیون ها نفر که مسیرشان به کربلا می رسد. وقتی این جمله را می شنوی، حس می کنی در یک خانواده بزرگ جهانی هستی که هرکسی از یک گوشه دنیا با فرهنگ و زبان متفاوت آمده؛ اما همه یک هدف دارند. فکرش را بکن؛ کیلومترها راه می روی، اما خستگی ات با لبخند مهربان صاحب مویکی که حتی زبان تو را نمی داند، از تنت بیرون می رود. با وقتی ظرف غذایی دست به دست می شود و همه بدون هیچ انتظاری از هم پذیرایی می کنند. اینها صحنه هایی نیستند که هر روز ببینی. اینجا انسانیت به سادگی و بدون نقاب خود را نشان می دهد. این حس برادری و همدلی خود جوش، بدون هیچ برنامه از پیش تعیین شده دولتی، واقعا حیرت آور است و همین، اربعین را از هر تجمع دیگری متمایز می کند.

برای تو که احتمالا ذهنی باز و کنجگاو داری، این پیاده روی، فرصتی است برای کشف ابعاد جدیدی از خودت و جامعه انسانی. می توانی ببینی که چطور مردم با حداقل امکانات، حداکثر سخاوت را به خرج می دهند. چطور اعتقاد و عشق به یک آرمان، می تواند میلیون ها نفر را در یک مسیر واحد همگام کند. این یک پدیده بی نظیر اجتماعی است که شاید در کلاس های جامعه شناسی و مردم شناسی، کمتر نمونه ای این چنین زنده و پویایی از آن را بشناسی. این پیاده روی، عملا یک آزمایشگاه بزرگ انسانی است.

